

چه سر سبز بود دره من

چرا هرگز عاشق

سینه چاک سینمای

آمریکا نبوده ام



شاپور عظیمی

موج ستیزه با غرب و معاریف آن بعد از اشغال سفارت اتا زونی با همان آمریکا، بعد از تلویزیون بالاخره به سینما و جشنواره فیلم فجر نیز راه پیدا کرد. در نخستین دوره حتی بخشی با نام «سینمای سرخپوستان و سیاهپوستان در سینما» در ضدیت با سینمای آمریکا، در برنامه جشنواره گنجانیده شد.

به تدریج در سالهای بعد پای سینماگران شرقی به جشنواره باز شد. بعدها تارکوفسکی و پاراجانف وجه معنوی سینمای شرق را در جشنواره به نمایش گذاشتند. کوروساوا به عنوان سینماگری از شرق نیز در جشنواره به نمایش گذاشته شد. در دوره های بعد به تدریج آثار معاصر سینمای غیر آمریکایی در جشنواره نمایش داده شدند که باید به آخرین امپراتور اثر بر تولوچی، سیگار کشیدن / سیگار کشیدن آلن رنه، تری اثر آلن کاوالیه و فرانچسکو ساخته لیلیانا کاوانی اشاره کنم که آثار قابل بحثی بودند.

این همه را نوشتم تا اذعان کنم بر خلاف تصویری که دوستان و آشنایان از بنده در ذهن دارند، هرگز عاشق سینه چاک سینمای آمریکا نبوده ام حتی به بسیاری از وجوه آن نقد جدی دارم اما از آنجا که در زمینه نقد تمرکز بیشتر بر تحلیل سینمای مؤلف و تاریخ سینما بر اساس ژانرهای سینمایی و «فیلم نوآر» و سینمای گنگستری بود و همه اینها در سینمای آمریکا یافتنی هستند، این شائبه بر جای ماند که علایق و سلیق فلانی در سینما، این است و لاغیرا البته این شائبه و یا بهتر بگویم این اتهام را جدی نگرفتم تا آن روز خاص مقابل نشر مولی، روبه روی فروشگاه این نشر، یک نیمکت هست. روزی برای رفع خستگی روی آن نیمکت نشسته بودم. جوان موجهی آمد. کنارم نشست. به من زل زد. با خلوص هر چه تمام تر و بی آنکه ذره ای حس کنم دارد بهتان می زند یا قصد بدی از این حرفش دارد، تیر خلاص را خیلی راحت بر قلب نگارنده نشانده و رفت... او مرا به جا آورده بود. بی مقدمه و بسیار صادقانه گفت آه، بله، شما را می شناسم، شما جزو منتقدان غرب زده سینما هستید.



برویزخان، تجسم ۲۰ پدیده دهه ۶۰ در هم است

## دهداری و پورصمیمی

# ۶۰ سال بعد به هم رسیدند

علیرضا محمودی

سعید پورصمیمی با ۳ نقش تاریخی در سینمای دهه ۶۰ نمادی از تحول در بازیگری سینمای ایران شد. او با این ۳ نقش، بازیگری براساس الگوهای روایی را که در سینمای عامه پسند به یک روش تبدیل شده بود را با سنت های شخصیت سازی در تئاتر متحول کرد. گسترش ایده های شخصیت پردازی با کمترین جلوه گری اما عمیق و مؤثر با امکانات بدنی و بیانی. برای چنین چالشی پورصمیمی به اندازه کافی با تجربه و به میزان لازم آماده بود.

در سینمای عامه پسند ایران در هر دوران کنار ستاره ها تعداد مشخصی بازیگر برای نقش های دوم وجود داشت که از فیلمی به فیلم دیگر حاضر می شدند. آنها شخصیت - بازیگرانی شناخته شده بودند که تماشاگران از روی فهرست منتشر شده می توانستند بدون دیدن فیلم نقش های آنها را به درستی حدس بزنند؛ بازیگرانی که نقش های دوم مثالی از برادر و پدر و پدربزرگ تا خواهر و مادر و مادر بزرگ از دلال و خلاف کار و قاتل تار فقیق بامعرفت و کاسب محل و جاهل منطقه را بازی می کردند. پورصمیمی در نیمه دوم دهه ۶۰ با ۳ نقش دوم در ۳ فیلم ناخداخورشید، تحفه ها و پرده آخر با بازی تحسین شده و سیمیر گرفته در ۳ نقش ملول، توسل و جامی پرونده نقش دوم را به شکلی بست و به نوعی باز کرد. سینمای نیمه صنعتی - نیمه استودیویی ایران که از بسیاری از جاذبه های روایی محروم شده بود حالا باید به روش های دیگری صحنه خالی شده را از احساس پر می کرد. وردست، خانه زاد و تردست در ۳ فیلم تاریخی به پورصمیمی اجازه داد که پیشنهادی برای همه نقش دوم هایی باشد که شاید خمیرش بیشتر از نقش اول آب می خورد.

مدیران تولید فیلم های سینمایی و سریال های تلویزیونی هر بار که با نقشی سخت روبه رو می شدند که در مدت کوتاهی باید گذشته یک شخصیت را در فیلم جاری می کرد، شماره سعید پورصمیمی را می گرفتند. شاید شیرین کاری تاریخ باشد که ۲ نقش اول (تک درخت ها و ایران سرای من است) در ۲ فیلم متفاوت از ۲ کارگردان از ۲ نسل دور از هم (سعید ابراهیمی فر و پرویز کیمیای) به تاریخ سپرده شد. اگر چه آبادانی ها و تاغروب تا حدودی جور کش نقش های اول پورصمیمی برای بازتاب در میان مردم بودند اما هیچ کدام به اندازه بازی در سریال فراوان دیده شده حمید لبخنده، پورصمیمی را به میان مردم نبرد. اگر ابرج راد و آریتا لاجینی در نقش والدین مریم، نماینده تشخص بودند سعید پورصمیمی و ثریا قاسمی در نقش والدین محمد نماد صمیمیت بودند. مردمی که با این شخصیت ها زندگی کرده اند از پورصمیمی بسیار یاد می کنند. با همین یاد و خاطرات است که چشم تماشاگران در بین همه بازیگران جوان دنبال پورصمیمی است تا ببینند او برای بازی در نقش پرویز دهداری از چنجه تجربه اش در ۴ دهه چه دستاوردی برای سینمای ایران رقم خواهد زد.

سعید پورصمیمی در بزرگ ترین چالش بازیگری جشنواره فیلم فجر قرار گرفته. او در ۲۷ فیلمی که بازی کرده برای نخستین بار در عدد ۲۸ یک شخصیت تاریخی معاصر را بازی می کند. پرویز دهداری فوتبالیست و مربی تیم ملی فوتبال ایران در دوران درخشش پورصمیمی در نقش های دوم آدم اول فوتبال ایران بود. برای این بازیگر کهنه کار این چالش تازه است. به خصوص که او اکنون بیشتر دیده می شود.

پورصمیمی با بازی در فیلم برادران لیل (سعید روستایی/ ۱۴۰۲) از شعاع توجه افکار عمومی به مرکز آن رسید. وقتی فایل فیلم در نوروز فسیلی سینماها از سیستم های خانگی ملاحظه شد و در شبکه های اجتماعی در پست های فراوان محل مناقشه، همه از دور و نزدیک از مرد ۸۰ ساله ای گفتند که در میان انواع بازیگر جوان و میانسال فیلمی پر بازیگر کم نیاورده. از محافل سینمایی و سیاسی گرفته تا محافل جنبش های زن محور همه با تحسین و تقبیح دستپخت روستایی از کهنه کاری در برابر چپش قارداش علی واری گفتند که از فرهاد اصلانی تا مهدی حسینی نیا در برابرش رجز خوانندند و او از پس یک یک شان در صحنه های خلوت و شلوغ برآمد. در روزگاری که همه از ۶۰ سالگی به بعد دنبال مجله جدول و سودو کو می گردند تا مبدا نشانی خانه شان را گم و گور و اسرار حجله را پیش خانواده عروس بازگو کنند، چنین دلآوری ای تنها از آدمی برمی آمد که هزاران لیل و اوایل دیده و کم نیاورده. او با یک اوج تمام عیار شروع کرده بود و نمی توانست یک سانتی متر از خط مقدم عقب نشینی کند. او در تمام سال های طوفانی مثل بمبک لنج خورشید بالاخره به ساحل برگشته است.

با حذف بسیاری از معیارها و تعطیلی بسیاری از استودیوها پس از انقلاب در نیمه اول دهه ۶۰ با راه افتادن تولید به سبک جدید دولتی، تعاونی کارگردانان جوان و سالخورده برای پیدا کردن بازیگران دوران جدید راهی سالن های نمایش تهران شدند تا از تاریخ و روش های صحنه های نمایش برای نقش های فیلم تازه خود ترکیب را کامل کنند.

پورصمیمی نام شناخته شده ای در تئاتر مدرن ایران در دهه ۵۰ برای وارد شدن به سینمای دهه ۶۰ در فیلمی حاضر شد که ۴ بازیگر اصلی اش چهره های معروفی از تئاتر مشهد و مرکز بودند. ناصر تقوایی، مثلث خورشید و فرحان و ملول را با ارجمند و نصیربان و پورصمیمی پر کرد. این نخستین حضور سینمایی او بود و در حالی که تولید طولانی فیلم هر بازیگری را در آن ساحل مفلوک برای تداوم احساس نقش به فلاکت می انداخت، پورصمیمی با گوهری از غوص برگشت که تا بد نگین انگشتی نقش دوم تردست را به نام او سند زد اما نیمه دوم دهه ۶۰ زمین و زمان صحنه ای فراهم کرد تا او فاصله خود را از همه دورودور تر کند.



روزنامه چهل و دومین جشنواره بین المللی فیلم فجر

42nd FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL جمعه ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۹